یادداشت روز

دولت سایه وجود دارد اما کجا؟!

بارها در همین ستون هشدار دادیم که دولت اگر به انتقادهای دلسوزانه منتقدان توجه نکند و در مقابل، به وعده‌های آن چند کشور بدعهد توجه کند با مشکلات جدی روبرو خواهد شد. نوشتیم، اگر دولت علی‌رغم مشکلات، باز(یا از سر لج یا هر چیز دیگر) بر ادامه این راه اصرار ورزد، به نقطه‌ای خواهد رسید که توان پاسخگویی به مردم را نخواهد داشت و برای فرار از این وضع چاره‌ای جز «حاشیه‌سازی» نخواهد یافت. حتی نوشتیم، با دست فرمانی که حرکت می‌کند، به نقطه‌ای خواهد رسید که، «حاشیه‌سازی» برایش «از نان شب هم واجب‌تر خواهد شد.» تمام این هشدارهای دلسوزانه به صورت مکتوب موجود و قابل جست و جو است. دولت و آن جریانی که مدعی اصلاح‌طلبی است حالا به پایان خط رسیده‌اند، به مردم پاسخگو نیستند و مدام در حال حاشیه‌سازی‌اند.

دولتی که با وعده‌های «اقتصادی» روی کار آمده در «اقتصاد» زمین‌گیر شده است. یا قادر به پاسخگویی نیست یا به سؤال‌های اقتصادی، پاسخ‌های سیاسی می‌دهد! وقتی آقای رئیس‌جمهور می‌گوید: «هیچ‌کس نباید تصور کند که تخریب دولت برای آنها در انتخابات سال آینده یا سال ۱۴۰۰ رأی می‌آورد.»(دیروز در جلسه هیئت دولت) یعنی دولت انتقادها به وضعیت اقتصادی مردم را «سیاسی» می‌داند و تلاش می‌کند انتقادها را تخریب و «انتخاباتی» نشان دهد.

وضعیت بازار سکه، ارز، خودرو، مسکن و... گویای شکست راهی است که دولت در اقتصاد انتخاب کرده و از ظاهر امر پیداست، قصد تغییر مسیر را هم ندارد اما در عوض آن جریان‌های سیاسی که مرتب به دولت و مردم آدرس غلط می‌دهند، تا دلتان بخواهد در حال حاشیه‌سازی و دوقطبی بازی‌اند...«دولت در سایه» یا «نمی‌گذارند کار کنیم» از آن حاشیه‌های دوقطبی‌سازی است که، برخی از این جریان‌ها، این روزها زیاد آویزان آن می‌شوند.

پاسخ دولت به این وضع تاکنون چگونه بوده؟ جریان‌های سیاسی که دولت را به چنین روزی کشانده‌اند چه پاسخی می‌دهند؟ ادامه این وضع، دولت را به چه نقطه‌ای خواهد رساند؟ مذاکره مجدد با آمریکا آیا نقطه‌ای بعدی است؟ اصلا آیا دولت سایه واقعا وجود دارد؟

در پاسخ سؤال اول باید گفت، یا گفته شده، بدعهدی را آمریکا کرده، چرا از ما انتقاد می‌کنید! یا اینکه گفته‌اند، این وضع موقتی است و از آن عبور خواهیم کرد، یا هم این طور القاء کرده‌اند که، کسانی در این کشور نمی‌گذارند دولت موفق شود. برخی از این پاسخ‌ها با حاشیه‌سازی همراه بوده است. حالت سوم (نمی‌گذارند) به شدت مورد علاقه همان جریان‌های سیاسی است که، دولت را به این وضع انداخته‌اند! تمام پاسخ‌هایی که این طیف به سؤال اول(چرا اینطور شد؟) داده‌اند در نهایت به «عدم مسئولیت‌پذیری» منتهی و تقصیرها به گردن «دیگری» انداخته شده است. درست مثل ۴ سال اول همین دولت که همه تقصیرها به گردن دولت قبل افتاد! همه این پاسخ‌ها و واکنش‌ها سال‌ها پیش پیش‌بینی شده بود، در همین ستون. گفته بودیم، دشمن بدعهد است، زیر تعهداتش می‌زند. تیتر یک زده بودیم که «هسته‌ای می‌رود تحریم‌ها می‌ماند».

حرکت‌های انتحاری که برخی وکیل‌الدوله‌ها در مجلس می‌کنند، مجوزی که به آن سریال قبیح و مروج فساد داده می‌شود، سروصدای عجیبی که به خاطر یک پیشنهاد تکراری برای نرفتن رئیس‌جمهور به نیویورک می‌شود، بازتاب عجیب و غیرعادی که به‌گریه کردن یک رقاصه می‌دهند، طرح‌های غیراقتصادی و نامربوطی که در چنین شرایط اقتصادی از سوی دولت تصویب و از سوی رسانه‌هایشان به‌طور گسترده پوشش داده می‌شود، مقاله‌های شیطانی که علیه کشورهای همسایه و زوار اهل بیت (ع) می‌نویسند و به فتنه خطرناک بصره منتهی می‌کنند، مصاحبه‌های جهت‌داری که از «دولت در سایه» و «دولت با تفنگ و بی‌تفنگ» همه روزه منتشر می‌کنند و...همه، پاسخ‌هایی هستند برای پاسخ ندادن! برای سرگرم کردن مردم، برای غبارآلود کردن فضا جهت دیده نشدن آن افتضاح‌ها، درست مثل کاری که نارنجک دودزا می‌کند! این چگونگی پاسخگویی جریان‌های سیاسی نزدیک به دولت در قبال مطالبات اقتصادی مردم است!

از موضع‌گیری‌های هفته‌های گذشته این جریان‌های واداده آلوده می‌توان پاسخ سؤال سوم را «حدس» زد. نقطه بعدی که این جریان احتمالا قصد دارد دولت را وارد آن کند و یک پیروزی استراتژیک و مهم نصیب ترامپ نماید، می‌تواند ترغیب و تشویق رئیس‌دولت به مذاکره با ترامپ باشد. این خط خبری به وضوح در رسانه‌هایشان دیده می‌شود. هر چه باشد، پیاده نظام‌های آمریکا هستند و ترامپ هم پیش از این گفته، منتظر تماس تلفنی‌شان است! اشتراک نظر عجیبی بین دولت ترامپ و این طیف درباره ایران وجود دارد. هم وقتی پای «سیاه‌نمایی» علیه کشورمان کشیده می‌شود، هم وقتی بحث مذاکره مجدد مطرح می‌گردد! به اظهارات اخیر آن به اصطلاح نماینده مردم در مجلس رجوع کنید. همینطور به کف و سوتی که روزنامه‌های اصلاح‌طلب برای این نطق زدند، نطقی که بی‌شباهت به نطق ضدایرانی وزیر خارجه آمریکا نبود! هر دو، تا می‌توانستند علیه حافظان امنیت مردم حرف زدند و کف و سوت شنیدند. آنجا لابی‌های صهیونیست کف و سوت زدند اینجا....

اما درباره دولت در سایه. ما هم معتقدیم به احتمال زیاد «دولت سایه» وجود دارد. دولتی که باعث می‌شود، دولت مستقر نتواند کار کند. دولتی که دولت بیرون از سایه را به این روز کشانده است. وقتی می‌گویند باید پارلمان در سایه داشته باشیم، چرا دولت در سایه نداشته باشند؟! مگر تئوریسین همین جریان سیاسی از لزوم تشکیل پارلمان در سایه نگفت؟

می‌گویند پزشک برای درمان بیمار ابتدا بیماری را تشخیص می‌دهد و عامل بروز بیماری را رفع می‌کند. به‌طور قطع یکی از عوامل اصلی بیماری اقتصاد ما برخی از همین جریان‌های سیاسی سکولارند که با مشورت‌های غلط یک شبه چیزی بالغ بر ۱۸ میلیارد دلار باارزش را به باد دادند. این رقم که برخی آن را بسیار بالاتر می‌دانند، در شرایطی دود شد و هوا رفت که کشور به شدت به آن نیاز دارد و دشمن دقیقا روی آن متمرکز شده است. دولت محترم بارها اعلام کرده، دشمن در خروج ارز از کشور نقش مستقیم دارد و به دنبال ضربه زدن به کشور از همین راه است. همین دولت در سایه که به بدنه دولت قطعا نفوذ کرده با مشورت‌ها و آدرس‌های غلط راه‌حل سیر کردن عطش دلار و سکه را، ریختن سرمایه‌های کشور به بازار معرفی کرد. جالب اینکه، در ایجاد این عطش کاذب نیز نقش مستقیم را داشت.

کار به جایی رسید که رهبر معظم انقلاب طی نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور «ضمن ابراز نگرانی از اخبار منتشر شده درخصوص واگذاری ارز و سکه در ماههای اخیر و ابهاماتی که در افکار عمومی ایجاد کرده است» دستور دادند: «ضمن رسیدگی به موضوع گزارش دقیقی تهیه و به محضر ایشان ارسال شود.»

این نکته مهم را هم تکرار می‌کنیم که پیش از هر چیز، دولت می‌بایست نقشه راهی را هم که همان دولت یا پارلمان در سایه برای اقتصاد کشور طراحی کرده، تغییر دهد در غیراین صورت اگر راه همان راه و نقشه همان نقشه باشد، با تغییر مجری طرح، به همان نقطه‌ای که اکنون در آنیم باز خواهیم گشت. راه‌حل ما این است که دولت بهبود شرایط را با تغییر نقشه راه و پاکسازی برخی حلقه‌های سیاسی که به بدنه دولت نفوذ کرده‌اند، شروع کند. که اگر چنین نکند، همین جریان چه بسا، شرایط را طوری طراحی کنند که رئیس‌جمهور محترم مهرماه کاملا اتفاقی! با ترامپ روبرو شود و...از آن طرف هم، فتیله قیمت‌ها را کمی پایین بکشند تا چنین القاء شود که، مذاکره با ترامپ اوضاع اقتصادی را بهتر می‌کند! همان راهی که پیش از این با اوباما رفتند و به یک مکالمه تلفنی کشاندند و نتیجه آن وضعی شد که اکنون در آنیم.

جعفر بلوری

گزارش خبری تحلیلی کیهان

جان کری: ترامپ با خروج از برجام جایی برای مذاکره نگذاشته است

سرویس سیاسی-

وزیر خارجه اسبق آمریکا تاکید کرده است که خروج آمریکا از برجام جایی برای مذاکره باقی نگذاشته است. اما همزمان با این اظهارنظر، روزنامه‌های زنجیره‌ای در اقدامی تأمل‌برانگیز در پوشش سفر روحانی به نیویورک، موضوع دیدار احتمالی وی با ترامپ و در حقیقت مسئله مذاکره با آمریکا را مطرح کرده‌اند!

«جان کری» وزیر خارجه اسبق آمریکا در مصاحبه با شبکه خبری «سی‌ان‌ان» از منتقدان توافق هسته‌ای در داخل ایران و مخالفان مذاکره با آمریکا به عنوان «گروه‌های تندرو» اسم برد و گفت: «[ترامپ] با خروج از برجام، موضع تندروها در داخل ایران را تقویت کرده است. او کسانی را در داخل ایران قدرتمند کرده که می‌گفتند نمی‌توان با آمریکا مذاکره کرد و نمی‌توان به آنها اعتماد کرد، چون آنها شیطان بزرگ هستند. حدس بزنید چه اتفاقی افتاده؟ دونالد ترامپ کاری کرده که حرف آنها درست از آب درآمده است.»

وزیر خارجه اسبق آمریکا همچنین در نشستی در موسسه کارنگی در واشنگتن در پاسخ به خبرنگار شبکه پی‌بی‌اس آمریکا با اشاره به خروج آمریکا از برجام گفت:«از نظر سیاسی حضور دوباره ایران بر سر میز مذاکره با آمریکا ناممکن است».

کری افزود:«منتقدان برجام در ایران آمریکا را غیرقابل اعتماد می‌خواندند و ترامپ ثابت کرد که آنها درست می‌گفتند».

جان کری در این اظهارنظرها تاکید کرده است که خروج آمریکا از برجام جایی برای مذاکره باقی نگذاشته است؛ اما همزمان با این اظهارنظر، روزنامه‌های زنجیره‌ای در اقدامی قابل تأمل درخصوص حضور رئیس‌جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل به هیاهو و جنجال پرداخته‌اند.

روزنامه‌های زنجیره‌ای در شماره دیروز با تیترهایی همچون «روحانی فرصت نیویورک را از دست ندهد»، «میان ماندن و رفتن»، «رفتن یا نرفتن مسئله این نیست»، «روحانی برود یا نرود»، حضور روحانی در مجمع سازمان ملل را مهم‌ترین مسئله کشور جا زده‌اند.

در همین رابطه روزنامه زنجیره‌ای آرمان در مطلبی نوشت:«حضور آقای روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل جدای از سخنرانی و اعلام مواضع ایران در مورد مسائل مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی و دفاع از عزت ایران؛ احترام به جایگاه سازمان ملل متحد به عنوان نهادی رسمی و بین‌المللی است؛ لذا عدم عزیمت رئیس‌جمهور به این اجلاس فراهم‌کننده عزت نیست».

روزنامه زنجیره‌ای اعتماد نیز در گزارشی نوشت: «مخالفان حضور روحانی در نیویورک... علاوه بر احتمال دیدار ترامپ و روحانی احتمالا از متنی که قرار است در سازمان ملل قرائت شود نیز نگران هستند. در غیر این‌صورت ضرورتی نداشت که از رئیس‌جمهور بخواهند فرصت حضور در یک مجمع جهانی را از دست بدهد».

روزنامه زنجیره‌ای ابتکار نیز در مطلبی نوشت:«نخستین مسئله این است که با توجه به ریاست آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل آیا حضور ایران در این نشست لازم است یا خیر؟...برخی از تحلیلگران معتقدند با توجه به مسئله ریاست آمریکا بر شورای امنیت این فرصت برای ایران وجود دارد که با حضور در این نشست روند را بر مبنای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و موضوع خروج آمریکا از برجام تغییر دهد... مسئله دوم اما حضور روحانی به عنوان سخنران در مجمع عمومی سازمان ملل است. مسئله‌ای که با توجه به گمانه‌زنی‌های غیررسمی از احتمال دیدار حسن روحانی و ترامپ در مجمع عمومی، جنبه تبلیغاتی مهمی به خود گرفته است».

مذاکره با آمریکا

همان‌طور که ملاحظه کردید، روزنامه‌های زنجیره‌ای در پوشش سفر روحانی به نیویورک، موضوع دیدار احتمالی وی با ترامپ و در حقیقت مسئله مذاکره با آمریکا را مطرح کرده‌اند.

در حقیقت موضوع حضور روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل از نگاه مدعیان اصلاحات نه فرصتی جهت برشمردن عهدشکنی‌های آمریکا، بلکه مقدمه‌ای برای هیاهوی رسانه‌ای این جماعت برای کوبیدن بر طبل مذاکره با آمریکا است.

مدعیان اصلاحات که اکنون برای مذاکره با ترامپ سر از پا نمی‌شناسند، همان جماعتی هستند که در توجیه شکست و ناکامی برجام، تقصیرها را گردن ترامپ می‌انداختند و او را دیوانه و تافته‌ای جدا بافته از حاکمیت آمریکا معرفی می‌کردند و هنگامی که ترامپ از برجام خارج شد، تیتر زدند که «مزاحم رفت»!

در برهه‌ای که حتی مقامات آمریکایی نیز بر عهدشکنی دولت خود و تاثیر آن بر افزایش بی‌اعتمادی مردم ایران به واشنگتن اذعان دارند، مدعیان اصلاحات کاسه داغ‌تر از آش شده و به جای دفاع از عزت مردم ایران و منافع ملی به تریبون کاخ سفید در ایران تغییر کاربری داده‌اند.

کدخدا اوباما، کدخدا ترامپ

در دولت یازدهم و در مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱، مذاکره مستقیم مقامات ایرانی با مقامات آمریکایی تا جایی پیش رفت که پیاده‌روی ۱۵ دقیقه‌ای ظریف و کری در ژنو، مکالمه تلفنی ۱۵ دقیقه‌ای روحانی با اوباما و دست دادن ظریف و اوباما در صحن سازمان ملل نیز به آن اضافه شد. روحانی پس از مکالمه تلفنی با رئیس‌جمهور وقت آمریکا در اظهارنظری عجیب گفت که اوباما را فردی مؤدب! و باهوش! می‌بیند.

پس از این ارتباطات ویژه، روحانی «حمید ابوطالبی» را به‌عنوان نماینده ایران در سازمان ملل معرفی کرد. اما پاسخ دولت اوبامای باهوش! و مؤدب! بسیار دردناک بود؛ دولت اوباما در اقدامی گستاخانه سفیر ویژه و مخصوص روحانی را تروریست نامید و با وجود همه تلاش‌ها حاضر نشد برای ابوطالبی ویزا صادر کند!

روحانی- آبان ۹۶- گفته بود:«داستان مضحکی اتفاق افتاده؛ می‌گویند تعهدی که قبلا بستیم، فعلا قرص و محکم نباشد، درباره موضوع دیگری حرف بزنیم! آمریکا با زبان و عمل می‌گوید که اهل مذاکره و تعهد نیست اما به برخی کشورهای شرق آسیا (کره شمالی) می‌گوید بیا با ما مذاکره کن؛ مگر دیوانه‌اند که با شما مذاکره کنند؟ شما به مذاکره‌ای که به تایید سازمان ملل رسیده، پایبند نیستید».

روحانی همچنین- مرداد ۹۷- با اشاره به عهدشکنی آمریکا در برجام -البته در موضعی انفعالی- گفته بود: «با روند خوبی داشتیم مذاکره می‌کردیم و اگر می‌خواستید همدیگر را ببینیم چرا پل را خراب کردید؟ و اگر راست می‌گویید بیایید پل را دو مرتبه درست کنید»!

برای مدعیان اصلاحات تفاوتی ندارد که «اوبامای دموکرات باهوش و مودب» در آمریکا بر سر کار است یا «ترامپ جمهوری‌خواه دیوانه و مزاحم»؛ طیف اصلاح‌طلب مدعی است که باید راه طی شده و به بن‌بست خورده اعتماد به شیطان بزرگ را دوباره و چندباره تجربه کنیم و طبعا با همان فرمول شیطان‌پسند، امتیازات نقد جدید - این‌بار در حوزه امنیت ملی و توان بازدارندگی- بدهیم و مشتی وعده جدید بگیریم؛ در حالی که تمام وعده‌های قبلی دروغ از آب درآمده یا برعکس عمل شده‌اند.

بقیه در صفحه۱۰

گفت و شنود

باز هم که...!

گفت: چه خبر؟!

گفتم: یادت هست تیم هسته‌ای کشورمان با افتخار اعلام کرده بودند یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلاری که از آمریکا گرفته‌اند نتیجه تلاش فلان مشاور اقتصادی تیم بوده است که الان در زندان به سر می‌برد؟

گفت: روزنامه‌های زنجیره‌ای هم چه قشقرقی راه انداختند که فتح‌الفتوح شده است! و کار کارستانی صورت گرفته است!

گفتم: ولی حالا با انتشار کتاب خاطرات جان کری معلوم شده که در آن قضیه هم مثل برجام کلاه گشادی سر ایران رفته است!

گفت: چی شده؟!

گفتم: جان کری نوشته است اگر آن مبلغ را به ایران نمی‌دادیم مجبور بودیم مطابق قانون ۱۰ میلیارد دلار بدهیم! یعنی تقریبا باید ۶ برابر آن را می‌دادند!

گفت: با این حساب، مثل اینکه گول خوردن‌هایمان تمامی ندارد!

گفتم: یارو پوست موز دید، گفت؛ ای بابا! بازهم که باید زمین بخورم!

نامه نمایندگان به رئیس‌جمهور

«آخوندی» دغدغه‌ای برای مسکن مردم ندارد اگر عزلش نکنید استیضاح می کنیم

یک نماینده مجلس از نامه نمایندگان به حسن روحانی برای عزل وزیر راه و شهرسازی خبر داد و گفت: آقای آخوندی دغدغه چندانی برای رفع مشکل مسکن مردم ندارد لذا به دنبال عزل وی هستیم و درصورت عدم عزل، استیضاحش می‌کنیم.

حجت‌الاسلام احد آزادی‌خواه در گفت‌وگو با خبرنگار فارس، در بیان جزئیات نامه نمایندگان به رئیس‌جمهور درباره لزوم تغییر در تیم اقتصادی دولت گفت: جمعی از نمایندگان نامه‌ای تدوین کرده‌اند مبنی بر اینکه رئیس‌جمهور در تیم اقتصادی دولت تغییراتی ایجاد کند.

وی اضافه کرد: ما در زمان سؤال از رئیس‌جمهور پیام همدلی و همراهی با دولت را به جامعه و شخص آقای روحانی ارسال کردیم و حال انتظار داریم که دولت نیز صدای مردم و نمایندگان ملت را شنیده و افراد ضعیف و ناکارآمد در تیم اقتصادی خود را تغییر دهد.

سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس، یکی از دغدغه‌ها و مشکلات جدی مردم را بحث مسکن توصیف کرد و افزود: متأسفانه آقای آخوندی به عنوان وزیر راه، تحرکات لازم را برای رفع دغدغه‌های مردم در حوزه مسکن ندارد، حتی ایشان در نشستی که به یکی از کمیسیون‌های مجلس آمد، در میان تعجب نمایندگان مسئولیت خود درباره قیمت مسکن را نپذیرفت و همین باعث شد نمایندگان به این جمع‌بندی برسند که آقای آخوندی اهتمامی برای مدیریت بازار مسکن که یکی از مطالبات جدی مردم است، ندارد.

آزادی‌خواه با اشاره به دغدغه جدی نمایندگان برای بهبود وضعیت مسکن در کشور گفت: با توجه به تمامی مباحث ذکرشده، جمعی از نمایندگان استیضاح وزیر راه را کلید زده‌اند، اما ما بر آن شدیم پیش از برگزاری جلسه استیضاح، از آقای رئیس‌جمهور بخواهیم که وزیری همچون آقای آخوندی را که توجهی به مطالبات ملت ندارد عزل کند.

نماینده مردم ملایر در مجلس در پایان گفت‌وگوی خود، عزم نمایندگان برای استیضاح آخوندی را جدی دانست و تأکید کرد: عملکرد وزیر راه طوری بوده که اگر استیضاح به صحن بیاید به احتمال فراوان رأی خواهد آورد.

خبر ویژه

۱۸ میلیارد دلار ارز را بردند که بردند شما سرگرم عفو عمومی باشید!

عضو فراکسیون امید می‌گوید مشخص نیست کسانی که ارز ۴۲۰۰ تومانی یا سکه خریدند کجا رفتند.

فاطمه ذوالقدر به ایلنا گفت: فرایند پیش‌فروش سکه و همین‌طور ارز در خلأ وجود مدیریت درست، زمینه را برای سوءاستفاده و فساد اقتصادی فراهم می‌کند.

وی خاطرنشان کرد: اگر این فسادها به موقع شناخته می‌شد قطعا ما شاهد این روزها نبودیم و گسترده هم نمی‌شد؛ چرا باید زمانی بگذرد و بعد کاری صورت بگیرد؟

وی ادامه داد: قیمت سکه و ارز واقعی نیست. سوءاستفاده‌هایی صورت گرفته است که متاسفانه اینگونه رفتارها ازسوی برخی جاها هم حمایت می‌شوند.

این عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در پاسخ به سوالی مبنی بر این‌که چرا علیرغم دستور رئیس‌جمهور درخصوص انتشار لیست، کسانی که ارز ۴هزار و ۲۰۰ تومانی دریافت کرده‌اند این کار را انجام نمی‌دهند، گفت: بارها در مجلس ما در نطق‌ها و تذکراتمان گفتیم که اعلام کنند چه کسانی از ارز دولتی استفاده کرده‌اند؟ چه کسانی ۱۰ الی ۲۰ هزار سکه خریده‌اند؟ چه کسانی مسئول این نابسامانی هستند؟ اما متاسفانه اقدامی صورت نمی‌گیرد.

وی خاطرنشان کرد: درست است که افراد در چارچوب آنچه که اعلام شده است عمل کرده‌اند و ارز و سکه خریده‌اند؛ اما مشخص نیست افرادی که ارز ۴هزار و ۲۰۰ تومانی دریافت کرده‌اند و یا سکه خریده‌اند کجا رفته و چه کرده‌اند؟

اظهارات این نماینده درحالی است که فراکسیون امید به عنوان آلت دست پدرخوانده‌های افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی و طبق دستور آنها، موضوع سوءمدیریت اقتصادی و تولید رانت برای رانت‌جویان را به حاشیه انداخته و سرگرمی‌هایی مانند طرح عفو عمومی، کنسرت، رفع حصر سران فتنه و یا حمله به نظارت استصوابی را دنبال می‌کنند. بنابراین درست این است که این نماینده درباره حال و روز فراکسیون متبوع و امریه‌های بیرون از مجلس روشنگری کند.

توجیهات محسن هاشمی درباره مواضع ضد روحانی کارگزاران

عضو مرکزیت کارگزاران می‌گوید مسئله اصلی اقتصادی در دولت، ناهماهنگی تیم روحانی است.

محسن هاشمی در گفت‌وگو با روزنامه ایران درباره بیانیه چندی پیش این حزب که با واکنش حزب اعتدال و توسعه مواجه شد،اظهار داشت: آنچه اتفاق افتاد، تبادل بیانیه از سوی این دو حزب نبود. بلکه ابتدا حزب کارگزاران بیانیه‌ای صادر کرد که اتفاقاً متن بسیار متینی هم بود، اما برداشت‌های غلطی از آن صورت گرفت. از سوی مقابل، نه خود حزب اعتدال و توسعه، بلکه کمیته سیاسی شاخه جوانان این حزب هم پاسخ داد که این طور به نظر رسید خود حزب نخواست به این بیانیه پاسخ دهد.

وی می‌افزاید: باید به متن بیانیه مراجعه کرد و دید آیا منظور از بیانیه، تضعیف آقای روحانی است یا تقویت آقای روحانی.

آنچه من برداشت کردم، تقویت آقای روحانی در این بیانیه منظور بود. بالاخره اتفاقاتی در کشور افتاده است و مشکلات اقتصادی پیش آمده است که حزب کارگزاران سازندگی هم به نوبه خود سعی کرده است برای عبور از این مشکلات، نظر داده و راهکار ارائه کند. بنابراین این مسئله نباید به عنوان درگیری حزبی یا عبور از آقای روحانی تعبیر شود.

محسن هاشمی در عین حال گفت: مسئله اصلی در تیم دولت، هماهنگی است. اگر تیم با هم هماهنگ نباشد، دچار مشکل خواهیم شد که اتفاقاً من معتقدم مسئله اصلی دولت آقای روحانی، نبود هماهنگی است.

تلاش محسن هاشمی برای تعدیل مواضع کارگزاران علیه دولت در حالی است که اخیراً سعید لیلاز عضو مرکزیت این حزب در مصاحبه با یورو نیوز تصریح کرد: اگر حتی چوب خشک جای روحانی بود، تاکنون با اختیاراتی که دولت از رهبری گرفته، کاری برای اقتصاد کرده بود.

در بیانیه ۱۰ روز پیش کارگزاران نیز تصریح شده بود: «پاسخهای روحانی، نه مجلس را قانع کرد نه ملت را راضی ساخت. دولت فاقد استراتژی اقتصادی روشن است. جز اقتصاددانان آزادیخواه، طرفداران نهادگرایی هم دل خوشی از دولت ندارند. مدافعان اقتصاد اسلامی نیز در زمره منتقدان دولت قرار دارند. دولت روحانی دولتی سرگشته است. اوج این سرگشتگی را می‌توان در سیاست ارزی دولت دید. دولت می‌توانست به جای سرکوب سیستماتیک نرخ ارز، در یک شیب ملایم رو به بالا، بهای ارز را بدون کمترین تنش اجتماعی و اقتصادی طی بازه زمانی ۴ ساله واقعی کند و مانع از شوک دی ماه ۹۶ شود.

کاربست ساز و کارهای اقتضایی که منجر به تغییرات پی‌درپی در سیاست‌های ارزی دولت در بهار سال ۹۷ شد، متأسفانه زمینه رانت‌جویی و بستر ویژه‌خواری اخلالگران اقتصادی را فراهم ساخت که لاجرم موجب سردرگمی بازار و ابهام و سرگشتگی فعالان اقتصادی کشور شد.

متأسفانه با وجود نقدها بر سازمان برنامه و بودجه، در دولت دوم روحانی اصلاحی صورت نگرفت بلکه روند سازمان تثبیت شد. وزارت اقتصاد نیازمند یک اقتصاددان بود و بانک مرکزی باید فراتر از یک حسابداری یا صرافی بزرگ اداره می‌شد. فقدان استراتژی، دولت را به مجمعی از بوروکراتهای بی‌انگیزه بدل ساخته است که دولت را نه به عنوان «مغز متفکر توسعه ملی» که به عنوان یک «اداره کاغذی» تحلیل می‌کنند و تقلیل می‌دهند.

دولت خون تازه می‌خواهد. باید به قوای تازه نفس که آماده شرایط جدیدند مجال داد. مردان «بزم» را در شرایط «رزم» نمی‌توان به کار گرفت. شمشیرهای مرصع را باید به دیوار آویخت و با سلاح آخته، هوشمندانه به مقابله با شرایط جدید رفت.»

عبدی: دولت با تغییر عملکرد به مردم امید بدهد نه با حرف

عباس عبدی معتقد است دولتی که در داخل خود درگیر است نمی‌تواند به مردم امید بدهد.

وی در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد درباره سخنان جهانگیری و روحانی در این زمینه تصریح کرد:

بخشی از اعتماد ناشی از کارایی و بخش دیگر از صداقت حاصل می‌شود. این دو رکن اساسی اعتماد است. زمانی که من فرد صادق و کارآمدی را مشاهده کنم، به او اعتماد خواهم کرد. بنابراین اگر دولت می‌خواهد مردم امیدوار باشند، راهی جز برخورد صادقانه با مردم ندارد. مقصود من از دولت کل ارکان حاکمیت است.

درکنار برخورد صادقانه، دولت باید نشان دهد کارایی لازم را دارا بوده و می‌تواند از موانع و بحران‌های موجود عبور کند. دولتی که نزدیک به دو ماه بدون سخنگو است، دولتی که چند وزارتخانه آن با سرپرست اداره می‌شود، دولتی که در شرایط حساس کنونی سفیرش در کشور مهمی چون چین مشخص نیست، مردم به چه چیزی باید امیدوار باشند؟ اگر دولت وظایف مرتبط با خود را به درستی انجام دهد، مردم امیدوار خواهند شد. بنابراین اینکه مدام گفته شود مردم باید امید داشته باشند، کافی نیست. دولت اگر کار خود را درست انجام دهد، مردم با درک و بینش واقعی خود به ادامه راه امیدوار خواهند شد.

وی می‌افزاید: امیدوار کردن مردم با سخنرانی وظیفه دولت نیست. ممکن است این وظیفه در میان امثال من، شما و سایر رسانه‌ها احساس شود، اما واقعیت آن است که عملکرد و نه سخن دولت ریشه این امیدواری است.

متاسفانه ما شاهد اختلافات گسترده در دولت هستیم. در کدام دولت این حجم از اختلافات وجود داشت؟ وزیر بهداشت علیه یک وزیر دیگر صحبت می‌کند وزیر راه علیه دیگری است. این داستان در اکثر موارد ادامه دارد. آیا این دولت امید دارد که حالا قصد تزریق امید به جامعه را دارد؟ این دولت نیاز به یک‌سری تغییرات اساسی در درون خود دارد. حداقل انتظار ما از دولت آن است که ابتدا خود را اصلاح کرده و سپس به مردم امید دهد.

مولفه بعدی اثبات کارآمدی دولت است. راه اثبات کارآمدی و کارایی نیز روشن است. سیاست‌های متناقض، صدور روزانه بخشنامه‌های مختلف و عدم پایبندی به قول و قرارهای مطرح شده فقدان مدیر برای کارهای مهم با کارایی و کارآمدی در تضاد است. حداقل کاری که دولت در شرایط فعلی باید انجام دهد آن است که اقتصاد را به یک گروه کارشناس و متخصص واگذار کند.

دولت چگونه به خود حق می‌دهد روزانه درباره مسائل اقتصادی اظهارنظر کرده و تصمیمات پشت پرده‌ای بگیرد که عوارض آن منجر به وضعیت فعلی اقتصادی شود؟ و در عین حال هیچ کارشناسی این رفتارها را تایید نکند؟ لازمه زنده نگه داشتن امید، صداقت، مبارزه با مشکلاتی مانند فساد و ناکارآمدی و تشکیل یک مجموعه مدیران پرتحرک و مسئولیت‌پذیر است. متاسفانه دولت کنونی توانایی کار کردن ندارد. این مدیران برای شرایط نرمال و عادی شاید دولت مناسبی باشند اما برای شرایط کنونی مناسب نیستند.

سردرگمی فعالان اقتصادی در قبال بسته‌های پر از خالی دولت

یک روزنامه حامی دولت نوشت، تکلیف صنعت کشور با وجود بسته‌های فراوان دولت نامعلوم است.

آرمان از قول رئیس‌کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی تهران نوشت: اخیرا ارائه بسته برای حمایت از صنایع بسیار رایج شده است. در همین راستا، شاهدیم که از سوی تعداد زیادی از مسئولان بسته‌های مختلفی پیشنهاد و ابلاغ شده است. خود وزیر صنعت، معدن و تجارت هم پیشنهاداتی را برای حمایت از صنایع کوچک و متوسط ارائه کرده و ظاهرا هفته آینده بسته حمایت از تولید می‌آید. همچنین پیشنهاد شده است که واحدهای تولیدی شش ماه تا یک‌سال از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاف باشند. این موضوع سبب شده که من به شخصه امیدی به کارآیی این بسته‌ها نداشته باشم.

فروردین امسال بود که به دنبال التهابات ارزی اعلام شد که نرخ ارز تک‌رقمی است و خرید و فروش ارز به نرخی غیراز رقم ۴۲۰۰ تومان قاچاق محسوب می‌شود و بعد از آن بود که اتفاقات زیادی را در بازار شاهد بودیم. اما بعد از مدتی تصمیمات تغییر کرد و الان چند نرخ در بازار وجود دارد. در حال حاضر صنعت کشور بسیار گرفتار است و اصلا تکلیف خودش را نمی‌داند. یعنی فعالان این بخش نه می‌توانند مواد اولیه خودشان را تامین کنند و نه اینکه کارشان پیشرفتی داشته است. یعنی فعالیت صنایع ما به اصطلاح قفل شده است. ابلاغیه‌های متعددی در مورد فعالیت صنایع و تخصیص ارز به آنها صادر شد که کمکی به اوضاع آنها نکرد.

موضوع دیگری که وجود دارد این است که به صادرکنندگان اعلام شده است که می‌توانند ارزشان را از سامانه نیما دریافت کنند، این در حالیست که ما نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم، چراکه بانک مربوط نمی‌تواند پول را حواله کند. یعنی همانطور که‌اشاره کردم باید تاکید کنم که همه‌چیز قفل شده است. متاسفانه ارزهای ارزان قیمت تنها به عده خاصی تعلق می‌گیرد که همین موضوع انگیزه فعالان اقتصادی کشور را که بطور شفاف فعالیت می‌کنند، برای ادامه فعالیتشان در کشور کاهش می‌دهد. آنچه که بدیهی است، این است که تصمیمات غیرعلمی، غیرتخصصی و بی‌توجه به تجربیات گذشته روند عادی فعالیت صنایع ما را بااشکال مواجه کرده است. متاسفانه تصمیماتی که یک شبه گرفته می‌شوند، تنها به نفع عده‌ای خاص است و آنها نیز از این موقعیت‌های ویژه سوءاستفاده می‌کنند و دود این موضوع تنها به چشم فعالان قدیمی و کارآزموده صنعت کشور می‌رود. همچنین با اقداماتی که اخیرا در حوزه اقتصاد انجام شده است، میلیاردها سرمایه از کشور خارج شده است و کسی هم نمی‌داند مقصد نهایی این سرمایه‌ها کجاست و در چه جایی مصرف می‌شود و در این میان، صنعت کشور مغفول مانده است.

نشریه آمریکایی: متوهم نباشیم ایران، سوریه را ترک نمی‌کند

یک هفته‌نامه آمریکایی تصریح کرد در حالی که ایران در روزهای سخت جنگ سوریه حضور داشته، اکنون دلیلی ندارد در روزهای پیروزی سوریه را ترک کند.

نشنال اینترست نوشت: از آغاز جنگ در سوریه، ایران به عنوان حامی دولت بشار اسد ظاهر شده است و اکنون که بالاخره پایان جنگ نزدیک به نظر می‌رسد، ایالات متحده انتظار دارد که ایران نفوذ خود را در منطقه و به ویژه حضور در سوریه کاهش دهد. اما ایران از کمک به ثبات دولت‌های دوست هدفی بزرگ‌تر را دنبال می‌کند که به سادگی از آن نخواهد گذشت.

درخواست دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا در رابطه با اینکه ایران بایستی نیروهای خود را از سوریه خارج کند، اتفاق جدیدی نیست. ترامپ در سخنرانی خود در هشت ماه مه در رابطه با خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای ایران، مذاکره بر سر توافق جدیدی را خواستار شد که ایران در آن با محدودسازی همیشگی برنامه غنی‌سازی اورانیوم و متوقف کردن برنامه توسعه